

مجازات تازه برای قاتلی که موی زنان را می‌برید



قاتل سربالی که در انگلستان با شگردی عجیب دست به قتل زنان می‌زد، به جرم قتل دختری ۱۶ساله در ایتالیا قرار است به این کشور بازگردانده شود. به گزارش همشهری به نقل از میر، دنیلو وستیوو ۳۰ساله بود که در مارس سال ۲۰۰۲به بریتانیا مهاجرت کرد. هنوز زمان زیادی از مهاجرتش نگذشته بود که در ۱۲نوامبر همان سال، زن همسایه‌اش به نام هنر بارنت را در خانه‌اش با ضربات چاقو و چکش به قتل رساند و یک دسته از موهای سرش را برید و در جکسان متوئل گذاشت و خانه‌او را ترک کرد. جسد این زن چند ساعت بعد توسط فرزندانش پیدا شد. وقتی مأموران در محل حادثه حاضر شدند، با نوع عجیب و هولناکی از قتل روبه‌رو شدند. تحقیقات برای پیدا کردن قاتل هنر ادامه داشت تا اینکه ۳ماه بعد اتفاق مشابهی رخ داد. جوئنگ اوک شین، ۲۶ساله در ساعات آخر شب، هنگامی که از محل کار به‌سوی خانه می‌رفت هدف حمله مردی ناشناس قرار گرفت و با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید. جسد او در حالی پیدا شد که یک دسته از موهایش برده شده و در دستانش قرار داشت. با گزارش ماجرا به پلیس، مأموران راهی محل حادثه شدند. کشف شواهد نشان می‌داد که این قتل از سوی همان قاتلی رخ داده که ۳ماه قبل تر زنی به نام هنر را به قتل رسانده بود و این یعنی پلیس با فاش قاتل سربالی روبه‌روست. تحقیقات ادامه داشت تا اینکه سرخ‌پن‌ها پلیس را به‌سوی یک جنایتکار ایتالیایی رساند و مأموران توانستند در او را پیدا و وی را دستگیر کنند.با دستگیری دنیلو وی به جرم ارتکاب ۴قتل به ۸۰سال زندان محکوم شد اما به تازگی معلوم شده که وی سال‌ها پیش در ایتالیا، دختری به نام الیزا کلاپس ۱۶ساله را با چاقو در اتاق زیر شیروانی یک کلیسا در شهر زادگاهش در پونتزا کشته است. با کشف این راز دنیلو اینک در مقابل حکمی دیگر از سوی داد‌گاه ایتالیا قرار گرفته است. او به‌صورت غیابی به ۳۰سال حبس محکوم شده و اکنون مقامات ایتالیایی به‌دنبال استرداد او هستند. اما دنیلو که تمایلی به بازگشت به ایتالیا ندارد در دادگاه روز جمعه که به همدین منظور برگزار شده بود، حاضر نشد. او گفته که نمی‌خواهد پیش‌کشور بازگرد زیرا زندان‌های ایتالیا کثیف و وحشتناک است و ترجیح می‌دهد در زندان بریتانیا بماند. دنیلو باید در جلسه بعدی استرداد خود درامه می‌حاضر شود تا درباره پرونده‌اش تصمیم‌گیری شود.

جنایی

معمای عکس عجیب از زن گمشده

تحقیقات برای رازگشایی از سرنوشت زنی جوان که شوهرش ادا می‌کند در کوهستان به قتل رسیده آغاز شده است. به‌گزارش همشهری، ظهر جمعه مأموران پلیس کوهستان در ارتفاعات شمال تهران حوالی پارک جمشیدیه متوجه مرد جوانی شدند که از روی تهیه به تپه دیگری می‌دوید و آرام و قرار نداشت. رفتارهای مرد جوان مشکوک به‌نظر می‌رسید و همین دلیلش شد تا مأموران سراغ وی بروند او مدعی بود که در جستجوی همسر گمشده‌اش است. سپس عکس جسدی که در گوشه موبایلش وجود داشت را به مأموران نشان داد و گفت ظاهرا همسرش را کشته‌اند.وی سپس توضیح داد: من سراپدار ساختمانی در منطقه جمشیدیه هستم و به همراه همسر و پسر خردسالم در اتاق سرایداری زندگی می‌کردیم. شنبه قبل دیر خوابیدم و نزدیک ظهر با گریه پسرم از خواب بیدار شدم و دیدم همسرم نیست. هر قدر او را صدا زدم جوابی نشنیدیم و با خودم فکر کردم برای خرید به بازار رفته و به‌زودی برمی‌گردد.

وی ادامه داد: دقایقی بعد پیامی در یکی از شبکه‌های اجتماعی به دستم رسید. وقتی پیام را باز کردم با دیدن عکس تکان‌دهنده همسر وحشت کردم. فردی ناشناس، عکس جسد خونین همسر را برای من ارسال کرده بود. شوکه شدم و با گوشی همسرم تماس گرفتم اما گوشی‌ او خاموش بود. عکس را دوباره نگاه کردم و دیدم همسرم روی تخته سنگی در کوه افتاده و صورتش خونین است و چشمانش با پارچه‌ای بسته شده بود. محلی که از جسد عکس گرفته شده بود آشنا بود و متوجه شدم کوهستان اطراف پارک جمشیدیه است. چون همسرم هرازگاهی برای کوهنوردی به پارک جمشیدیه می‌رفت. به همین دلیل فوراً خودم را به کوهستان رساندم تا ردی از همسرم پیدا کنم که مأموران مرا با‌داشت کردند. به‌دنبال اظهارات عجیب این مرد، بازپرس جنایی تهران دستور بررسی ام‌راهی را که با آن عکس عجیب ارسال شده، صادر کرد تا با انجام تحقیقات بیشتر، اسرار سرنوشت زن گمشده فاش شود.

۷ساعت تلاش برای نجات گرسنگر

یک گردشگر که هنگام کوهنوردی در ارتفاعات منطقه جلیل بابکان در استان کهگیلویه و بویراحمد گرفتار شده بود پس از ۷ساعت تلاش امدادگران هلال‌احمر نجات یافت. این گردشگر به‌دلیل تغییر آب‌وهوا و بارش باران از صخره‌های لغزنده سقوط کرده بود که با تلاش امدادگران نجات یافت و به بیمارستان منتقل شد.



در تازه‌ترین طرح پلیس پایتخت، چندین باند بزرگ مواد مخدر شناسایی و متلاشی شدند. یکی از این باندها محموله ۵۰۰کیلوگیی هروئین را در پوشش ماهی به پایتخت قاچاق کرده بود که پلیس راز آنها را فاش کرد. به گزارش همشهری، سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران صبح دیروز در مقر پلیس آگاهی تهران حاضر شد و



فروش متادون به جای قرص لاغری

میلاد متولد سال ۱۸۲است و با وجود سن کمی که دارد، بارها به جرم دریافت و حمل مواد مخدر دستگیر شده است. او این‌بار با همدستی دختر مورد علاقه‌اش قرص‌های متادون خرید و فروش می‌کرد.

چرا دستگیر شده‌ای؟
می‌گویند متادون فروخته‌شده، اما مگر فروش قرص متادون جرم است؟ شما مثلاً برو عطاری و بگو متادون می‌خواهی. فروشنده هر تعدادی که قرص بخواهی دو دستی تقدیمت می‌کند.
اینطور که نیست؛ فروشنده می‌داند به چه کسی و چقدر قرص بفروشد.
من و سسانه، دختر مورد علاقه‌ام هر وقت رفتیم قرص بخریم به ما فروخته‌اند. می‌رفتیم جنوب شهر و از افراد مختلف قرص می‌خریدیم و بعد به عطاری‌ها می‌فروختیم.
سودش خوب بود؟
مگر می‌شود برای سود کم، ریسک کنیم. سودش خیلی خوب بود. گاهی حتی به ماهی ۱۰۰میلیون تومان هم می‌رسید!
خودت موادمصرف می‌کنی؟
گاهی گل می‌کنشم. البته گل که موادمخدر محسوب نمی‌شود.
چطور می‌گویی گل موادمخدر محسوب نمی‌شود؟
چطور هر وقت می‌کنم می‌روم فضا! تصور می‌کنم دانشمند هستم و بیشتر به‌خودم افتخار می‌کنم. به‌نظرم انرژی‌زاست تا موادمخدر!
تحصیلات بچه‌دار است؟

در حد خواندن و نوشتن در س خواندم. خیلی از علم و دانش خوشم نمی‌آید. با علم و دانش به جایی نمی‌رسیدم. به‌نظرم تنها با خلاف می‌شود به جایی رسید! البته خلاف هم خودش یک استعداد می‌خواهد. یعنی باید طرف استعداد خلاف کردن در خوش باشی. هر کسی که نمی‌تواند خلافکار باشد. همانطور که هر کسی نمی‌تواند دانشمند شود!
اینجا که می‌گویی به‌نظرت توهم مصرف گل نیست؟ نه. من واقعا استعداد بالاست اما فقط در خلاف! پرونده ات نشان می‌دهد که سابقه دار هستی؟
من از ۱۳، ۱۴سالگی خلاف کرده‌ام. می‌رفتم مواد از قاچاقچی محله مان می‌گرفتم و بین متقاضیان توزیع می‌کردم. یک شش‌ب که رفته بودم سواد بخش کنم، دستگیرم کردند. مدتی در کانون اصلاح و تربیت بودم و بعد آزاد شدم. بار دیگر به جرم دریافت دستگیر شدم. یک‌بار هم به جرم حمل و توزیع سواد. به من می‌گویند خرده فروش بودم. یک مرتبه هم به اتهام فروش شیشه‌گیر افتادم. این‌بار هم که به جرم فروش ترامادول یا متادون...
متادون‌ها فقط در عطاری‌ها می‌فروختی؟
نه در فضای مجازی هم کار می‌کردیم. پیجی باز کرده و تبلیغات فروش قرص‌های لاغری می‌کردیم. یعنی در پوشش قرص‌های لاغری، ترامادول یا متادون‌ها را می‌فروختیم.

۷ساعت تلاش برای نجات گرسنگر

یک گردشگر که هنگام کوهنوردی در ارتفاعات منطقه جلیل بابکان در استان کهگیلویه و بویراحمد گرفتار شده بود پس از ۷ساعت تلاش امدادگران هلال‌احمر نجات یافت. این گردشگر به‌دلیل تغییر آب‌وهوا و بارش باران از صخره‌های لغزنده سقوط کرده بود که با تلاش امدادگران نجات یافت و به بیمارستان منتقل شد.



درباره دستاورد تازه‌ترین طرح پلیس که با رویکرد برخورد با باندهای قاچاق موادمخدر انجام شده، سخن گفت وی در مورد این طرح افزود:همکاران من در پلیس پایتخت از ابتدای آبان‌ماه امسال تاکنون بیش از ۳تن انواع موادمخدر کشف کردند که محموله نیم‌تنی هروئین نیز جزو آن است. وی ادامه داد: شیوه‌جاسازی این محموله در زیر بیخچال تریلی طوری بود که حتی سسگ‌های موادباب نیز نتوانسته بودند آن را کشف کنند اما مأموران طی یک فرآیند ۲ماهه اعضای باند را شناسایی کردند. سردار محمدیان با بیان اینکه این محموله بالغ بر ۱۰۰۰میلیاردریال ارزش دارد، گفت: ۳سوداگر مرگ



یک روز راندنگی، یک میلیارد تومان دستمزد
گفت و گو
«قاچاقچیان، پیشنهاد یک میلیارد تومان بسول دادند و من هم وسوسه شدم تا نیم‌تن هروئین خالص را از چاهپار به پایتخت منتقل کنم.» این جمله را راننده تریلی که هروئین‌ها را در بار ماهی جاسازی کرده و به تهران منتقل کرده بود می‌گوید. او جزو دستگیرشدگان در طرح تازه پلیس است.
شغلت چیست؟
راننده تریلی. سال‌هاست که انواع و اقسام مواد غذایی را از هر جای ایران باشنم. بار می‌زنم و به‌دست صاحبش می‌رسانم. من راننده ترانزیت بین‌المللی هم هستم به قبرس، ترکیه، آلمان و کشورهای دیگر هم بار می‌برم.
پس چرا الان اینجاپی؟
وسوسه. چون پیشنهاد یک میلیارد تومان دادند. رقم کمی نبود و هر کس دیگری هم جای من بود، وسوسه می‌شد. اعضای اصلی باند، ۵۰۰کیلو هروئین در چاهپار. در تریلی من پارگیری کردند. آنها را در بسته‌های سسه لایه نایلونی قرار داده بودند که حتی بسته بندی آن نیز در خارج از کشور انجام شده بود. آنها بسته‌ها را در میان بار ماهی جاسازی کرده بودند که حتی سگ‌های مواد باب



ساسان‌ها قبل‌به جرم تاسیس لابراتوار شیشه و تهیه و توزیع آن. دستگیر و به‌اعدام محکوم شد. حکم اعدام او مدتی بعد شکسته و تبدیل به حبس ابد شد. اما بار دیگر توبه نامه نوشت و در نهایت پس از تحمل چند سال حبس آزاد شد اما درس عبرت نگرفت و این بار به تولید گل و شیشه روی آورد.
به چه جرمی دستگیر شده‌ای؟
من با همدستی چند نفر دیگر گلخانه را انداختم؛ نه آن گلخانه‌ای که گل طبیعی پرورش می‌دهند، بلکه موادمخدر تولید می‌کنم. البته با چند نفر دیگر هم در زمینه ساخت و تولید شیشه همکاری می‌کنم. درواقع فرمول‌ر ا می‌فروشم.
فرمول؟
من علاقه شدیدی به درس شیمی داشتم. همیشه می‌نشستم مواد مختلف شیمیایی را با هم ترکیب می‌کردم تا بااصطلاح دارویی بسازم. دلم می‌خواست یک روز شیمی‌دان معروفی شوم اما سر از دنیای خلافکاران در آوردم.
پرونده ات نشان می‌دهد که به اعدام محکوم شده بودی؟
حکم اعدامم شکسته شد. ابتدا حبس ابد و بعد ۱۵سال زندان. ۱۰سالی در زندان ماندم و چندماه قبل با سبیدن وثیقه مرخصی گرفتم. هنوز ۵سال از محکومیتم مانده است. بعد از آزادی وسوسه شدم تا برای به‌دست آوردن پول کار کنم. البته قاچاقچیان مختلف چون مرا می‌شناختند و برای خودم اسرم و رسمی داشتم، به سراغم آمدند و پیشنهاد دادند تا پراشان شیشه تولید کنم و گل بکارم. من هم وسوسه شدم تا به‌خاطر پول وارد این بازی خطرناک شوم.
یک‌بار از مرگ ریختی و با وجود این چرا درس عبرت نگرفتی؟
قاچاقچیان که به من پیشنهاد همکاری دادند، تأکید کردند که اگر دستگیر شوند هرگز مرا نمی‌دهند. آنها تجربه، کار و فرمول‌های مرا می‌خواستند اما خب پای حرفشان نماندند و به محض دستگیری، خیانت کردند و مرا او دادند.



آزادی او تلاش کنند. این فیلم پدر و مادر ارمیا را برای آزادی فرزندشان به تکاپوی بیشتری انداخت و آنها در نهایت تصمیم گرفتند برای نجات پسرشان اقدام کنند.

گزارش آدم‌ریایی به پلیس افغانستان
پدر و مادر ارمیا همانطور که آدم‌ریایان خواسته بودند پول را به‌حساب تاجری در افغانستان واریز کردند اما با پیدا کردن یک واسطه به او اطلاع دادند که این پول نهایی آزادی پسر ۱۲ساله‌شان است که رپوده شده است. تاجر افغان که از این ماجرا بی‌خبر بود، وقتی از ماجرا مطلع شد نزد پلیس افغانستان رفت و همه‌چیز را بازگو کرد. در این شرایط تاجر افغان با آدم‌ریایان تماس گرفت و گفت که پول به‌حسابش واریز شده است. این خبر باعث شد تا آدم‌ریایان خیال‌شان از دریافت پول راحت شود و تصمیم بگیرند تا ارمیا را آزاد کنند.

دومین فیلم
بیش از ۴۰روز از رپوده شدن ارمیا گذشته بود که آدم‌ریایان فیلم تازه‌ای را برای خانواده او فرستادند. در این فیلم ارمیا در یک خودرو حضور داشت و باز هم چشمانش بسته بود. این بار اما خوشحال به‌نظر می‌رسید. او در چند جمله کوتاه خطاب به



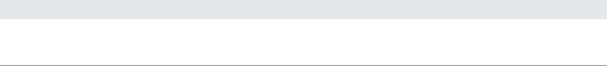
کرمان در حال گشت‌زنی مرد جوانی را در حال پرسه زدن در خیابان دیدند. او رفتار خاصی داشت و مأموران بی‌برند که به‌احتمال زیاد او موادمخدر بلعیده است. در این شرایط او بازداشت شد و بعد از

انتقال به بیمارستان تعداد ۱۴۳بسته تریاک به وزن ۲کیلو۱۷۰گرم از معده او خارج شد. براساس این گزارش، هم‌اکنون این متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

کرمان در حال گشت‌زنی مرد جوانی را در حال پرسه زدن در خیابان دیدند. او رفتار خاصی داشت و مأموران بی‌برند که به‌احتمال زیاد او موادمخدر بلعیده است. در این شرایط او بازداشت شد و بعد از

دستگیری دزد خشن

دزد و شرور خشن که هنگام سرقت از فردی در اصفهان با سلاح سرد اقدام به قطع دست او کرده بود، دستگیر شد. این مرد با اجیر کردن کودکان و نوجوانان از آنها برای فروش موادمخدر استفاده می‌کرد که از سوی سربازان گنم‌امام زمان(عج) به همراه همدستانش دستگیر و او مخفیگاه او مقدار زیادی موادمخدر کشف شد.



تقویم حوادث

کلاهبرداری، مینی‌بوس خیالی را به ۵ نفر فروخت



۲۸ سال پیش در چنین روزی کلاهبرداری که یک مینی‌بوس را به ۵ نفر فروخته بود، به دام پلیس افتاد و تیتز صفحه حوادث روزنامه‌ها شد. روزنامه اطلاعات در دوشنبه ۲۷ آبان درباره این پرونده نوشت: کلاهبرداری که یک مینی بوس راهی را به ۵ نفر فروخته و از هر کدام از آنها مبالغ کلانی پول گرفته بود هفته گذشته به دام افتاد. متهم به نام فریدون ۵۲ ساله که نام‌های مستعار متعدد داشته، اعتراف کرد که از فروش این مینی‌بوس واهی جمعا ۷۵۰هزار تومان کلاهبرداری کرده است.

متهم برای این منظور ابتدا به افراد مراجعه و ادعا می‌کرده که در قرعه‌کشی خودرو برنده یک دستگاه مینی‌بوس شده و با قرض و قوله آن را خریداری کرده است، ولی چون احتیاج به پول برای پرداخت قرض خود دارد، حاضر است آن را بفروشد. وی همچنین برای اینکه خریدار را به طمع بیندازد مبلغی پایین‌تر از قیمت اصلی را پیشنهاد می‌کرد. فریدون پس از آن یک سسوتیج را به خریدار می‌داده و با عنوان این مطلب که مینی‌بوس را در فلان جا پارک کرده است متواری می‌شد. در این رابطه شکایات متعددی به اداره آگاهی رسید، تا اینکه چند روز پیش یکی از کسانی که توسط این شخص مورد کلاهبرداری واقع شده است وی را در کرج مشاهده کرد. متهم با همکاری مردم و مامورین شهربانی دستگیر و برای تحقیقات به اداره آگاهی تهران اعزام شده. فریدون در اداره آگاهی به کلاهبرداری اعتراف کرد و معلوم شد که با این شگرد مینی بوس خیالی را به شفر فروخته است. این در حالی است که طی چند ماه گذشته شکایات متعددی از شهرستان‌ها در رابطه با این نوع کلاهبرداری به آگاهی رسیده و هنوز مشخص نشده که این کلاهبرداری‌ها نیز توسط این شخص صورت گرفته است یا نه؟

سرگرد جلیجی کلانتر شعبه ۵ اداره آگاهی از کلیه کسانی که ایحاثا توسط این شخص از آنان کلاهبرداری شده‌است درخواست کرد که در صورت شناسایی کامل نامبرده برای انجام مراحل قانونی به این شعبه آگاهی مراجعه کنند.

داخلی

کلاهبرداری ۳۰۰میلیارد تومانی به بهانه فروش خودرو

مرد شیاد با وعده فروش خودرو بیش از ۳۰۰میلیارد تومان کلاهبرداری کرد و بیکاره ناپدید شد اما کارآگاهان پلیس موفق شدند با شناسایی مخفیگاهش او را دستگیر کنند و به فرارش پایان دهند.

به‌گزارش همشهری، رسیدگی به ایسن پرونده از جندی قبل به‌دنبال شکایت آفر در دادسرای بندرعباس آغاز شد. مال‌باختگان می‌گفتند که برای خرید خودرو به مردی به‌نام سعید پول داده‌اند اما او نه خودرویی به آنها داده و نه پول‌شان را پس داده و در نهایت ناپدید شده است.

یکی از آنها گفت: ما برای سرمایه‌گذاری قصد خرید خودرو داشتیم و از طریق یک واسطه با سعید آشنا شدیم. او وعده و وعیدهای زیادی به ما داد و گفت با ارتباطی که دارد می‌تواند هر تعداد که بخواهیم خودرو و قیمت مناسب در اختیارمان قرار دهد و با این وعده و وعیدها فریب خوردیم و همه سرمایه مان را در اختیار او قرار دادیم، به این امید که با خرید خودرو سود زیادی نصیب‌مان شود. او چند مرتبه زمانی را که قول داده بود خودروها را تحویل می‌دهد عقب انداخت و مدام وعده و وعید می‌داد تا اینکه بیکاره ناپدید شد و به تماس‌های تلفنی هم پاسخی نمی‌داد و وقتی ما از پیدا کردن او ناامید شدیم تصمیم به شکایت گرفتیم.

به‌دنبال این شکایات با تشکیل پرونده، رسیدگی به این کلاهبرداری به مأموران پلیس آگاهی واگذار شد. در تحقیقات معلوم شد که کلاهبردار تحت تعقیب علاوه بر این دو نفر از افراد دیگری نیز باهمین ترفند کلاهبرداری کرده است. او پس از جلب اعتماد مال‌باختگان مبالغ کلانی از آنها می‌گرفت و وعده می‌داد که به‌زودی خودروهای مورد نظرشان را به آنها تحویل می‌دهد. اینطور که شاکیان مدعی بودند سعید بارها محل سکونت و کارش را تغییر داد و در نهایت به مکان نامعلومی گریخت که دسترسی به او امکان‌پذیر نبود. کارآگاهان پلیس در جریان بررسی‌های فنی خود به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد متهم تحت تعقیب اهل شهرستان لارستان واقع در استان فارس است و به‌احتمال زیاد به آنجا گریخته‌است. به این ترتیب گروهی از کارآگاهان باخذنیابت قضایی راهی لارستان شدند و با انجام بررسی‌های فنی مخفیگاه سعید را شناسایی کردند. مأموران آنجا و مکان‌هایی که ممکن بود متهم در آنجا تردد کند را تحت نظر گرفتند تا اینکه سرانجام زمانی که سعید سوار بر یک خودروی پژو پارس قصد فرار داشت در ایستگاه بازرسی کنجی شهرستان بندرخمیر دستگیر شد.

با آغاز بازجویی‌های اولیه متهم به کلاهبرداری ۳۰۰میلیون تومانی از متقاضیان خرید خودرو اعتراف کرد. تحقیقات تکمیلی در این‌باره ادامه دارد. سردار علی اکبر جوادیان، فرمانده انتظامی هرمزگان با اعلام جزئیات این پرونده گفت: با بررسی‌های انجام شده در این‌باره تاکنون ۳۲فرا مال‌باختگان شناسایی شده‌اند و تحقیقات پلیسی و قضایی برای کشف سایر جرائم احتمالی متهم ادامه دارد.